

مریم شجاعی پور

## توجه توجه

مسابقه همچنان ادامه دارد  
پس عجله کنید و بفرستید تا از جایزه‌های ما عقب  
نمانید.  
موضوع جایزه که یادتان هست: آثار شما با موضوع  
کمک به همنوع

koolehposhty@gmail.com

دوستان خوب کوله پشتی ممنون. برای چی؟ برای ایمیل‌های خوب‌تان که  
شهر و مدرسه‌تان هم بفرستید بیش تر خوشحال می‌شویم. فقط برای ارسال  
آثار تان لطفاً به چند نکته توجه کنید: اول این که کوله پشتی امکان چاپ  
که حتی المقدور از نوشتن به زبان محاوره خودداری کنید و نکته‌ی آخر  
این که کوله‌پشتی از چاپ آثار دوستانی که سنین نوجوانی را پشت سر  
گذاشته‌اند معذور است.

## عکس‌ها از مبارکه سادات مرتضوی، ۱۶ ساله از تهران

## نامه‌ها

به نام خدای پاک‌ی‌ها  
سلام  
ضمن تبریک به خانم شجاعی پور به‌خاطر مسئول شدن در صفحه‌ی  
قاصدک دات کام. چند تا سخن داشتم.  
در تابستان هر هفته دو تا دو تا مطالب و آثارم چاپ می‌شدند ولی  
به تازگی از اوایل مهر ماه دو هفته پی‌درپی هست که مطالبم چاپ  
نمی‌شوند.  
راستی گزارش حضور آزاده هم در نوبت چاپ بود، ولی چرا چاپ  
نشدا؟  
به نظرم در سه ماه من بالای صد اثر برای کوله‌پشتی فرستادم، به  
عبارتی فعال‌ترین کوله‌نویس بودم ولی فقط هفت یا هشت تا از آن‌ها  
چاپ شده‌اند. یعنی بقیه‌ی آثار خوب نبودند؟  
من این هفته فعالیت‌م را دو برابر می‌کنم و امیدوارم شما هم از بنده‌ی  
فعال کوله‌نویس یاد کنید و  
به فکر چاپ آثارم بیفتید.  
خانم شجاعی پور در ضمن امیدوارم در کارتان موفق باشید، ولی به  
فکر من هم باشید.  
امیدوارم که مثل خانم فیاضی و خانم نیک‌بنیاد، به پیشرفت من  
کمک کنید.  
منتظر پاسخ‌تان هستم...

عشق کوله، بهنام عبداللهی از تبریز (۱۳ساله)

## جواب کوله‌پشتی

بهنام عزیز! ممنون از این همه لطف، کوله‌پشتی هم همیشه منتظر  
ایمیل‌ت هست و ما توی دفتر کوله شعرها و داستان‌های قشنگت را با  
هم می‌خوانیم و به این همه استعدادت آفرین می‌گوییم، اگر بعضی از  
کارهای خوبت چاپ نشده، فقط مشکل کمبود جاست. بالاخره باید  
مطالب دوستان دیگر کوله‌پشتی هم چاپ بشود.  
راستی گزارشات درباره‌ی آزاده‌ی عزیز هم خیلی خوب بود، ولی  
مطلب دیگری فرستاده بودی که همکاران جایگزین کردند:)



## مهر و بازگشایی مدارس

بهنام عبداللهی ۱۳ ساله از تبریز

شهر خاموش بود. شهر به خواب تابستانی رفته بود که مهر از خواب بیدارش کرد. مهرماه با آمدن‌اش به  
شهرمان بوی کتاب و دفتر را هم آورد.  
شوقی که بچه‌های کلاس اولی داشتند، حتی ادیسون هم موقع اختراع برق نداشت. خدا را چه دیدی.  
شاید همین کلاس اولی‌ها ادیسون‌های آینده باشند.  
ما هم چندان بی‌شوق نبودیم. بالاخره دیدن دوستان و معلمان پس از سه ماه هیجان خاص خودش را  
داشت.  
امسال فهمیدیم که پاییز سست و بی‌حال نیست، بلکه این انسان‌ها هستند که در نقطه‌ی اوج زمستان  
هم می‌توانند پر انرژی باشند.

## باران

مهسا سردی، ۱۴ ساله از قم

این همه داد می‌زد  
چترها را باید بست  
زیر باران باید رفت



باز هم باران  
چترها همه باز  
چکمه‌ها همه خیس  
پس چرا سهراب

